

نظریه‌های دولت

اندرووینسنت

ترجمه دکتر حسین بشیریه



نشرنی

Vincent, Andrew

وینسنت، اندرو

نظریه‌های دولت / اندرو وینسنت؛ ترجمه حسین بشیریه، تهران: نشر نی، ۱۳۷۶، ۲۵۱ ص.

ISBN 978-964-312-322-2

Theories

of

the

State.

فهرست‌نویسی براساس اطلاعات فیها.

عنوان اصلی: چاپ قبلی نشر نی، ۱۳۷۱ (۳۳۹ ص).

کتابنامه: ص. [۳۲۹]-۳۳۹.

چاپ دهم: ۱۳۹۴.

۱. دولت، الف. بشیریه، حسین، ۱۳۳۲ - مترجم.

ب. عنوان.

۲۲۰/۱

JC۳۲۵ / ۹ و

۱۳۷۶

م ۷۷-۲۵۴۹

کتابخانه ملی ایران

قیمت: ۲۰۰۰۰ تومان

www.ketab.ir



نشرنی

نظریه‌های دولت

اندرو وینسنت

مترجم دکتر حسین بشیریه
چاپ دهم تهران، ۱۳۹۴
تعداد ۷۰۰ نسخه
لیتوگرافی باختر
چاپ و صحافی طیف‌نگار
ناظر چاپ بهمن سراج

تمامی حقوق این اثر محفوظ است. تکثیر یا تولید مجدد آن کلاً و جزئاً،
به هر صورت (چاپ، فتوکپی، صوت، تصویر و انتشار الکترونیکی)
بدون اجازه مکتوب ناشر ممنوع است.

شابک ۹۷۸ ۹۶۴ ۳۱۲ ۳۱۲ ۲

www.nashreney.com

پیشگفتار مترجم

کتاب نظریه‌های دولت نوشته اندرو وینسنت، استاد دانشگاه کاردیف در ویلز، انگلستان به بررسی برخی از مهمترین نظریات درباره یکی از مهمترین مفاهیم در اندیشه سیاسی غرب می‌پردازد. از آنجا که معمولاً در همه جا اندیشه سیاسی به صورتی تاریخی بررسی می‌شود و شیوه بررسی موضوعی در آن چندان رواج نیافته است، باید از آثاری همانند اثر حاضر استقبال کرد. با این حال حیطة وسیع و ابهام موضوع این کتاب از یک سو و نحوه برخورد نویسنده با نظریات از سوی دیگر، زمینه برخی انتقادات اساسی را بر آن به دست می‌دهد. مقصود مترجم از این گفتار طرح برخی از انتقادات کلی از دیدگاه روش‌شناسی است.

مهمترین ایرادی که بر چنین کتابی می‌توان گرفت، به‌گزینش معیارهای طبقه‌بندی تئوریه‌ها مربوط می‌شود. نفس دلایل‌گزینش چنین معیارهایی و توجه آنها نیازمند بحثی اساسی در روش‌شناسی است که نویسنده اصلاً بدان نپرداخته است. وی معیارهای مبهمی درباره طبقه‌بندی تئوریه‌ها در ذهن دارد و آنها را مسلم می‌انگارد، یعنی اینکه دست کم آنها را آشکارا ابراز نمی‌کند. چنین به نظر می‌رسد که نویسنده مآلاً بیشتر به طبقه‌بندی تاریخی تئوریه‌ها می‌پردازد تا به طبقه‌بندی ماهوی و از این رو هم نظریات تداخل پیدا می‌کنند و هم شیوه بررسی موضوعی مخدوش می‌شود. ظاهراً نویسنده در مؤخره کتاب کوشیده است که این خلاء بحث روش‌شناسی را پر کند و از این رو تأکید می‌کند که هدف او بررسی تئوریه‌های تجویزی دولت بوده است، لیکن تأخیر در توجه به این مبحث موجب بررسی طبقات مختلف نظریات دولت، چه تجویزی و چه توصیفی،

در طی فصول کتاب شده است. از سوی دیگر چندان روشن نیست که اساساً مفهوم نظریه تجویزی دربارهٔ دولت چه می‌تواند باشد. در صورتی که مقصود نویسنده این باشد که چنین نظریاتی پیشنهادهایی درباره نحوه سازماندهی به دولت به دست می‌دهند، در آن صورت تلقی چنین ایدئولوژی‌هایی به عنوان تئوری، از دیدگاه روش‌شناسی، نادرست است. میان ایدئولوژی و تئوری فرقه‌هایی اساسی وجود دارد که نویسنده اصلاً متعرض آنها نشده است؛ به هر حال مطالب فصول کتاب بیشتر مربوط به کل تاریخ نظریات است و از این رو حاوی تئوری و ایدئولوژی هر دو است. بنابر این کتاب حاضر گرچه از نظر استناد بسیار غنی است، لیکن به نظر می‌رسد که طرح آن از دیدگاه روش‌شناسی خوب اندیشیده نشده باشد.

به نظر می‌رسد که نویسنده تصویر روشنی از معیارهای طبقه‌بندی تئوریه‌ها نداشته باشد و به علاوه معیارهای به کار برده شده هم متغیر و مبهم‌اند. شگفت اینکه نویسنده از یکی از مهمترین آثار کلاسیکی که در زمینه طبقه‌بندی تئوریه‌های دولت نوشته شده است، یعنی کتاب اندیشه سیاسی اثر ویپر، حتی ذکری هم به میان نمی‌آورد. ویپر به رغم انتقاداتی که بر نظریه‌اش وارد است، به هر حال معیارهای روشنی در طبقه‌بندی تئوریه‌های دولت به کار می‌برد و آنها را معطوف به دو برداشت کاملاً متفاوت از دولت به عنوان پدیده‌ای انداموار یا ابزاروار می‌داند. همچنین ویپر موفق می‌شود سایر اجزای اندیشه سیاسی یعنی مفاهیمی چون برابری، عدالت، آزادی، حق، قانون و جز آن را بر حول همان طبقه‌بندی سرو سامان بخشد. کتاب وینسنت فاقد چنین امتیازی است و از قرار معلوم به علت ابهام در معیار طبقه‌بندی بهانه‌ای برای عرضهٔ برخی دیگر از تئوریه‌های مهم دولت مانند نظریهٔ اصحاب اصالت فایده و اصالت کارکرد، نظریهٔ روسو و نظریهٔ رالیست‌های سیاسی پیدا نمی‌کند.

تئوریه‌های دولت را می‌توان بر حسب معیارهای مختلفی طبقه‌بندی کرد. مسلماً کاربرد معیار صوری طبقه‌بندی تئوریه‌ها بر حسب مکاتب فکری، نمی‌تواند مآلاً تئوریه‌ها را بر حسب معیارهای ماهوی طبقه‌بندی کند. همچنین از دیدگاهی انتزاعی‌تر باید گفت

که طبقه‌بندی تئوریه‌ها بر حسب حوزه‌های تخصصی دانش اجتماعی همچون فلسفه، جامعه‌شناسی و تاریخ هم مآلاً صوری از کار در می‌آید، زیرا احتمال تداخل تئوریه‌ها از حیث برخی معیارهای ماهوی وجود دارد و همین خود فایده مقایسه را از بین می‌برد. با توجه به ماهیت مغشوش اندیشه سیاسی گریزی از آن نیست که از حد این گونه معیارهای صوری فراتر رویم و معیارهایی «از خارج» بر آن تحمیل کنیم تا مطالعه موضوعی و تطبیقی سودمند افتد. در نتیجه کاربرد همین معیارهای صوری است که نویسنده کتاب حاضر هگل را از جهتی اصولاً متفکری مشروطه‌خواه می‌داند لیکن نمی‌تواند نظریه او را به نحوی در درون نظریه مشروطه‌خواهان جای دهد.

شاید بتوان گفت که مهمترین معیارهای طبقه‌بندی تئوریه‌های دولت عبارتند از منشأ و ماهیت دولت، غایت دولت، حدود آزادی فرد و اقتدار دولت و منبع مشروعیت قدرت سیاسی. اصولاً مهمترین نظریاتی که درباره دولت عرضه شده‌اند معطوف به منشأ، ماهیت و غایت دولت‌اند و نظریات دیگر هم مآلاً در ذیل همین تئوریه‌ها قرار می‌گیرند. از لحاظ منشأ و ماهیت، مثلاً وقتی دولت را ادامه خانواده و جامعه مدنی و شرط تکامل آزادی و خودآگاهی فرد می‌دانیم، آن را به عنوان پدیده‌ای «طبیعی» تلقی می‌کنیم؛ و یا وقتی آن را حاصل قرارداد و توافق افراد می‌شماریم، از آن به عنوان پدیده‌ای ساختگی یاد می‌کنیم؛ و باز هم وقتی دولت را پدیده‌ای مصنوع اما حاصل اجبار بخشی از جامعه نسبت به بخشی دیگر در نظر می‌گیریم، آن را پدیده‌ای نه قراردادی بلکه اجبارآمیز تلقی می‌کنیم. طبقات تئوریهایی که بر اساس چنین معیاری ایجاد می‌شوند خود ممکن است بعضاً فلسفی‌تر و یا جامعه‌شناختی‌تر باشند، حال آنکه ممکن است دو نظریه جامعه‌شناختی (مثلاً مارکسیستی و رالیستی) و یا دو نظریه فلسفی (مثلاً نظریات هگل و بنتهام که مبتنی بر برداشت‌های متفاوتی از ماهیت طبع انسان‌اند) تعابیر مختلفی از منشأ دولت به دست دهند. از این رو طبقه‌بندی تئوریه‌ها بر حسب فلسفی یا جامعه‌شناختی بودن چندان روشنگر نخواهد بود.

از سوی دیگر نظریات حقوقی درباره دولت بر اساس چنین معیاری قابل تبیین نیستند و در طبقه‌بندی آنها باید معیار دقیق‌تری به کار برد. به علاوه ممکن است طبقات تئوریه‌های مبتنی بر معیار منشأ و ماهیت «جلوه»‌های حقوقی مختلفی پیدا کنند. برای مثال

نظریه قرارداد اجتماعی در اندیشه‌های از حیث حقوقی و سیاسی در دولت مطلقه تجلی می‌یابد، حال آنکه نظریه قرارداد اجتماعی در اندیشه لاک مآلاً به دفاع از دولت مشروطه می‌انجامد. بنابر این طبقه‌بندی تئوریه‌ها بر حسب دولت مطلقه و مشروطه لزوماً مبین طبقه‌بندی تئوریه‌ها از لحاظ ماهوی نیست و حتی گاه چنین به نظر می‌رسد که نویسنده طبقه‌بندی دولتها را اشتهاً به جای طبقه‌بندی تئوریه‌های دولت می‌گیرد.

طبقات تئوریه‌های حقوقی دولت بر اساس معیار منبع مشروعیت قدرت سیاسی بهتر مشخص می‌شوند. اینکه قدرت دولت را ناشی از خداوند یا حقوق طبیعی و یا خواست مردم تلقی کنیم، بر میزان قدرت دولت و حدود آزادی فرد تأثیر می‌گذارد؛ در عین حال این طبقه‌بندی، چنانکه دیدیم، با طبقه‌بندی تئوریه‌ها بر حسب ماهیت دولت لزوماً انطباق ندارد. البته ممکن است گفته شود که ما این ابعاد را به زور تحلیل از یکدیگر جدا می‌کنیم اما باید گفت که اگر مقصود ما بحث تحلیلی و موضوعی از تئوریه‌های دولت باشد، در آن صورت از این تجرید و تجزیه‌گریزی نداریم. بسیاری از نظریات مربوط به دولت مطلقه و دولت مشروطه هم که در کتاب ذکر شده‌اند، خود مبتنی بر تصورات متفاوت درباره منابع مشروعیت قدرت هستند. تنها وقتی طبقات تئوریه‌های دولت مطلقه و مشروطه را بر حسب این معیار در نظر بگیریم، تقابل میان آنها آشکار می‌شود؛ بر حسب معیار منشأ و ماهیت ممکن است لزوماً تقابلی میان آنها موجود نباشد. نکته این است که کتابی که موضوع آن بررسی تئوریه‌های دولت است باید تقابل موجود میان طبقات را به روشنی بیان نماید؛ حال آنکه در کتاب حاضر مثلاً نظریه کثرت‌گرایان در بیشتر موارد با نظریه مشروطه‌خواهان تقابلی ایجاد نمی‌کند و یا ممکن است نظریه کثرت‌گرایی با نظریات مارکسیستی هم تقابلی نداشته باشد، کما اینکه نویسنده نظریات آنارشیست‌ها و سندیکالیست‌ها را در ذیل مبحث کثرت‌گرایی ذکر می‌کند ولی توجهی به نزدیکی اندیشه آنارشیسم و سندیکالیسم با مارکسیسم ندارد و گرنه می‌بایست در تمیز کثرت‌گرایی از مارکسیسم اندکی به بحث از تفاوت مفاهیم گروه و طبقه می‌پرداخت. از سوی دیگر نظریه هگل هم با توجه به تأکید او بر اصناف و جامعه مدنی لزوماً در این خصوص تقابلی با نظریه کثرت‌گرایان ایجاد نمی‌کند. در واقع باید گفت که نویسنده تا اندازه زیادی آشفتگی بازار فلسفه سیاسی را در کتاب خود نیز منعکس کرده است.

انتقاد دیگری که می‌توان بر کتاب نظریه‌های دولت وارد کرد به ارزیابی نویسنده دربارهٔ نظریهٔ طبقاتی دولت در اندیشهٔ مارکس مربوط می‌شود. نخست اینکه در هرگونه ارزیابی از اندیشهٔ مارکس دربارهٔ دولت با توجه به پراکندگی آن در آثار او تکیه بر تعابیر مختلف شارحان مارکس ضرورت می‌یابد. مهمترین تعابیری که از اندیشهٔ مارکس دربارهٔ دولت عرضه شده است تعابیر متفکرانی چون دارندورف، باتامور و پلامناتز است. با توجه به اینکه نویسنده خود مدعی اجتهاد در مارکسیسم نیست و از همه‌گونه منابع دست اول و دوم استفاده می‌کند، عدم اشارهٔ او به چنان تعابیری غریب به نظر می‌رسد. دوم اینکه چنانکه پلامناتز استدلال کرده است پذیرش جامعه‌شناسی سیاسی مارکس که نظریهٔ دولت او هم جزئی از آن است، از لحاظ منطقی مستلزم پذیرش نظریهٔ ماتریالیسم و تئوری ماده و ذهن و یا نظریهٔ اقتصادی و یا «ایدئولوژی» او دربارهٔ جامعهٔ مطلوب سوسیالیستی نیست. اما نویسنده در قضاوت دربارهٔ مارکسیسم بیشتر تحت تأثیر تجربهٔ تاریخی کمونیسم قرار گرفته و به تمایزات ظریف میان اجزای اندیشهٔ مارکس توجهی ندارد. سوم اینکه گرچه مارکس میان دولت و طبقه رابطه‌ای می‌بیند، اما پیچیدگی این رابطه در مفهوم اکونومیسم نمی‌گنجد. مارکس خود در مطالعات تاریخی خویش به فرموله کردن یک نظریهٔ عمومی دربارهٔ رابطهٔ دولت و طبقه چندان نظر ندارد، بلکه بیشتر به تنوعات تاریخی این رابطه می‌پردازد. اعمال قدرت طبقه بالا بر دولت بر حسب علل و عوامل مختلفی چون میزان وحدت و انسجام آن طبقه، میزان وحدت و سازماندهی طبقات پایین، میزان قدرت دیگر طبقات و گروه‌های اجتماعی، میزان تداخل و همبستگی عملی و ایدئولوژیک میان این گروه‌ها و طبقات عمدهٔ جامعه و جز آن تنوع می‌یابد. بنابر این رابطه میان دولت و طبقه در اندیشهٔ مارکس بسیار پیچیده‌تر از آن است که نویسنده باز می‌نماید.

چهارم اینکه نویسنده به روش‌شناسی دیالکتیکی مارکس توجهی ندارد و آن را با پوزیتیویسم همسان می‌انگارد. در روش دیالکتیکی واقعیت اجتماعی مثله نمی‌شود. بر خلاف انتظار نویسنده پرداختن به دولت یا طبقه و تعریف آنها به شیوه‌ای اثباتی به عنوان

مقولات متزاع لزوماً به فهم آنها کمک نمی‌کند. بر خلاف توقع نویسنده نمی‌توان از مارکس انتظار داشت که به شیوه‌ای اثباتی به تعریف مقولات طبقه و دولت بپردازد. مارکس در پی تنظیم احکام و قضایایی نبود که واقعیت تجربی را فارغ از زمان و مکان باز تولید کند. از دیدگاه او واقعیت امری پر تناقض و متغیر و منقطع است و از همین رو مقولات و تعاریف ایستا، واقعیت متحول جامعه را باز تولید نتوانند کرد.

حسین بشیریه

تهران، بهمن ۱۳۶۹

فهرست مطالب

۵	پیشگفتار مترجم
۱۵	۱. ماهیت دولت
۱۵	پیشگفتار
۴۱	ویژگیهای صوری دولت مدرن اروپایی
۴۴	دولت، جامعه، جماعت، ملت، حکومت
۵۹	مفاهیم هم‌خانواده با مفهوم دولت
۷۰	نظریه پردازی در باره دولت
۷۶	نتیجه گیری
۷۷	۲. نظریه دولت مطلقه
۷۷	پیشگفتار
۸۶	حاکمیت مطلقه
۹۹	دولت مطلقه و نظریه‌های مالکیت
۱۰۶	حق الهی و دولت مطلقه
۱۱۲	مصلحت دولت و دولت مطلقه
۱۱۷	نظریه شخصیت و دولت مطلقه
۱۲۰	نتیجه گیری
۱۲۳	۳. نظریه دولت مشروطه
۱۲۳	پیشگفتار

۱۳۰	منشاء نظریه دولت مشروطه
۱۴۴	نظریه‌های محدودیت و پراکندگی اقتدار
۱۷۶	دگرگونی منظم و تداوم ارزشها
۱۷۸	نتیجه‌گیری
۱۸۲	۴. نظریه اخلاقی دولت
۱۸۳	پیشگفتار
۱۸۹	تالیونیک و نظام فلسفی هگل
۱۹۵	فرد و جهان اجتماعی
۱۹۹	اشکال دولت
۲۰۳	دولت بیرونی
۲۰۶	دولت سیاسی
۲۰۹	دولت اخلاقی
۲۱۵	نتیجه‌گیری
۲۲۱	۵. نظریه طبقاتی دولت
۲۲۱	پیشگفتار
۲۲۷	نظریه طبقاتی دولت در اندیشه مارکس و انگلس
۲۴۲	گرامشی: نظریه پرداز روبنا
۲۵۰	ساختارگرایی و دولت
۲۵۶	نتیجه‌گیری
۲۶۵	۶. نظریه کثرت‌گرایان در باره دولت
۲۶۵	پیشگفتار
۲۷۵	انواع نظریات کثرت‌گرایانه
۲۸۱	آزادی و گروههای اجتماعی
۲۸۸	مسئله حاکمیت
۲۹۵	مسئله شخصیت حقیقی گروهها

۲۰۴	دولت کثرت‌گرا
۳۱۱	نتیجه‌گیری
۳۱۳	۷. آیا اصلاً نیازی به نظریه دولت وجود دارد؟
۳۲۲	پی‌نوشتها
۳۲۹	کتابشناسی
۳۴۱	فهرست راهنما